

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دائرة المعارف الآراء الفقهية
درآمدهای حرام
احتکار

نویسنده

هادی نجفی

سرشناسه	: نجفی، هادی، ۱۳۴۲ -
عنوان قراردادی	: الآراء الفقهية قسم المكاسب المحرمة. فارسی. برگزیده
عنوان و نام پدیدآور	: دایره المعارف الآراء الفقهية درآمدهای حرام ۱: احتکار/ تالیف هادی النجفی؛ مترجم علی اسکندری.
مشخصات نشر	: تهران: چتر دانش، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۵۴ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۳۴۶-۶
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: معاملات (فقه)
موضوع	: Transactions (Islamic law)*
موضوع	: کسب و کار حرام
موضوع	: Business, Illicit*
موضوع	: احتکار و محتکران (فقه)
موضوع	: Hoarding (Islamic law)*
موضوع	: فقه جعفری -- قرن ۱۴
موضوع	: Islamic law, Ja'fari -- 20 th century*
شناسه افزوده	: اسکندری، علی، ۱۳۶۸-، مترجم
رده بندی کنگره	: BP۱۹۰/۱
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۳۷۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۸۰۵۸۳۰

نام کتاب	: دائرة المعارف الآراء الفقهية درآمدهای حرام ۱: احتکار
ناشر	: چتر دانش
مؤلف	: آية الله شيخ هادی نجفی
مترجم	: دکتر عبدالرضا اسکندری
نوبت و سال چاپ	: اول - ۱۳۹۸
شمارگان	: ۱۰۰۰
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۳۴۶-۶
قیمت	: ۴۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خمینری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

فهرست

مقدمه	۵
احتکار ۷/	
فصل اول: احتکار در لغت	۷
فصل دوم: اقوال دربارهٔ احتکار	۹
فصل سوم: روایاتی که در مورد احتکار وارد شده	۱۴
گروه اول: روایاتی که به طور مطلق دلالت بر ممنوعیت احتکار دارد	۱۴
گروه دوم: روایاتی که دلالت بر منع از احتکار در خصوص طعام می کند	۱۸
گروه سوم: روایاتی که تفصیل می دهد بین وجود غذا در شهر و عدم آن	۲۴
گروه چهارم: روایاتی است که دلالت بر تفصیل بین ایام می کند	۳۰
گروه پنجم: روایاتی که دلالت دارد بر احتکار در کالاهای خاصی دارد	۳۲
فصل چهارم: حرمة مطلق احتکار	۳۶
فصل پنجم: آیا محتکر مجبور به فروش می شود یا نه؟	۳۹
فصل ششم: قیمت گذاری	۴۴
اقوال دربارهٔ قیمت گذاری	۴۴
اما روایات قیمت گذاری	۴۶
منابع	۵۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

الحمد لله رب الأسعار والصلاة والسلام على رسول الله محمد المصطفى الذي نهى عن الإحتكار وعلى وصيه أمير المؤمنين علي أبي طالب الذي أمر المحتكرين بخروج حكرتهم إلى بطون الأسواق وعلى أحد عشر من أولاده المعصومين الطاهرين الناهين عن الإحتكار.

آنچه در این رساله می‌خوانید ترجمه بحث احتکار^۱ در دائرة المعارف الآراء الفقهية^۲، تألیف صاحب این قلم می‌باشد که توسط برخی به فارسی برگردانده شده و پس از اصلاحات لازم توسط اینجانب خدمت علاقه‌مندان به فقه اهل بیت (علیهم السلام) تقدیم می‌گردد.

به این امید که مرضی مولایمان صاحب العصر و الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قرار گیرد. ان شاء الله تعالی.

۱۸ ذی القعدة الحرام ۱۴۴۰

۳۰ تیرماه ۱۳۹۸

اصفهان - هادی نجفی

۱. الآراء الفقهية ۱/ (۲۳۴-۲۵۵).

۲. این کتاب از اول بحث مکاسب محرمه تا پایان بیع به مدت ۱۷ سال در حوزه علمیه تدریس و تاکنون در ۹ جلد منتشر شده است.

احتکار

بحث در مورد احتکار را در شش فصل خدمت خوانندگان عزیز تقدیم می‌کنیم:

فصل اول: احتکار در لغت

در کتاب لغت لسان العرب، احتکار این‌گونه تعریف شده است:
«الحکر: إدخار الطعام للتربص، وصاحبه محتکر»^۱.
ذخیره نمودن غذا برای انتظار کشیدن [که قیمتش بالا برود] و کسی که این کار را انجام می‌دهد، محتکر یعنی احتکار کننده است.
در کتاب النهایة ابن اثیر در معنای لغت احتکار چنین آمده:
«من احتکر طعاماً فهو کذا»^۲ أي اشتراه وحبسه ليقلّ فيغلو»^۳.
هر کس مواد غذایی را می‌خرد و آن را در جایی حبس می‌کند تا آن مواد غذایی کمیاب شود و قیمت آن بالا رود.
در کتاب الصحاح آمده است: «احتکار الطعام: جمعه وحبسه یتربص به الغلاء، وهو الحکر بالضم»^۳.

۱. لسان العرب ۲۰۸/۴.

۲. النهایة ۴۱۷/۱.

۳. الصحاح ۶۳۵/۲.

احتکار غذا یعنی جمع کردن و حبس کردن غذا و انتظار بالارفتن قیمت آن را کشیدن و این کُکره به ضمهٔ «ح» است. ظاهر این است که احتکار در لغت معنای عام و شمولی دارد و معنای جمع و حبس را نسبت به هر چیزی که مردم به آن احتیاج دارند تا قیمت آن بالا برود در بر می‌گیرد در نتیجه واژهٔ احتکار از جهت لغت اختصاص به یک چیز ندارد.

فصل دوم: اقوال دربارهٔ احتکار

علامه حلی در کتاب *تذکره الفقهاء* گفته است: «علمای ما دربارهٔ احتکار دو قول دارند:

الف) حرمت احتکار و این حکم صحیح‌ترین دو قولی است که شافعی در این مسئله دارد [یعنی شافعی گفته در حکم احتکار دو قول دارد که صحیح‌ترین این دو قول، حرمت احتکار است] علت صحیح‌تر بودن حکم حرمت روایتی است که اهل سنت از پیامبر نقل کرده‌اند که پیامبر(ص) فرموده است: «احتکار نمی‌کند، مگر خطاکار» یعنی گنهکار و... ب) کراهت؛ به دلیل اصل عدم حرمت^۱. همچنین علامه حلی در کتاب *مختلف الشیعه* می‌گوید: «علمای ما امامیه اختلاف دارند در اینکه احتکار حرام یا مکروه است؛ شیخ صدوق در کتاب *المقنع* می‌گوید: «احتکار حرام است» و ابن براج هم نظرش همین حرمت است و از کلام ابن ادریس هم همین حرمت بر می‌آید و شیخ طوسی در کتاب *المبسوط* و شیخ مفید می‌گویند: «احتکار مکروه است». ابوالصلاح حلبی در کتاب *الکافی فی الفقه* در قسمت «مکاسب» قائل به کراهت است؛ اما در فصل بیع قائل به حرمت احتکار شده است.

۱. تذکره الفقهاء ۱۲/۱۶۵.

نزدیک‌تر به صواب این است که حکم احتکار، کراهت است. دلیل ما در حکم به کراهت اصل عدم حرمت و روایاتی است که در این زمینه نقل شده است»^۱.

شهید در تعلیقی که بر کتاب *ارشاد الازدهان* علامه حلی دارند در شرح و توضیح عبارت علامه حلی که می‌گوید: «احتکار طبق یک نظر» بیان می‌کند: «این عبارت علامه حلی عطف بر کراهت شده است؛ [یعنی منظور علامه این است که احتکار طبق یک نظر مکروه است] و این قول به کراهت فتوای شیخ مفید^۲ و شیخ طوسی در *المبسوط*^۳ و ابوالصلاح حلبی در فصل «مکاسب محرمة» کتاب *الکافی فی الفقه*^۴ است؛ دلیل حرام‌نبودن و مکروه‌بودن احتکار اصل عدم حرمت و مسلط‌بودن انسان بر مالش [که به هرگونه بخواهد، می‌تواند در مالش تصرف کند] است. کراهت احتکار را روایتی تأیید می‌کند که حلبی^۵ در روایت حسنه‌ای از امام صادق (ع) نقل می‌کند. شیخ صدوق^۶ و ابن براج^۷ و ابوالصلاح حلبی در فصل «بیع» کتاب *الکافی فی الفقه*^۸ قائل به حرمت شده‌اند و حرمت ظاهر کلام ابن ادريس^۹ است و مستند آن صحیحه اسماعیل ابن ابی زیاد^{۱۰} از امام صادق (ع) ... و به‌خاطر اینکه محتکر مجبور به فروش

۱. مختلف الشيعة ۳۸/۵.

۲. المقنعة ۶۱۶.

۳. المبسوط ۱۹۵/۲.

۴. الکافی فی الفقه ۲۸۳.

۵. الکافی ۱۶۵/۵، ح ۵.

۶. المقنعة ۳۷۲.

۷. المهدب ۳۴۶/۱.

۸. الکافی فی الفقه ۳۶۰.

۹. السرائر ۲/۲۱۸ و ۲۳۸-۲۳۹.

۱۰. الفقيه ۱۶۹/۳، ح ۷۴۹.

می‌شود^۱...»^۲.

سید عاملی در کتاب *مفتاح الكرامة* می‌گوید: «اجماع بر نهی از احتکار وجود دارد، همچنان که علامه حلی در کتاب *نهاية الإحكام*^۳ گفته است و مراد علامه حلی از نهی از احتکاری که نقل کرده اعم از کراهت است [یعنی هم حرمت را شامل می‌شود و هم کراهت را] به قرینه آنچه بعد از این نهی آورده.

علامه حلی در قواعد حکم می‌کند به اینکه احتکار حرام است و در این حکم با شیخ صدوق در کتاب *المقنع* و ظاهر کتاب *الفقیه* و *الهدایة* موافقت کرده [بنا بر آنچه که به کتاب *الهدایة* صدوق نسبت^۴ داده شده] نیز علامه حلی در قول به حرمت با شیخ طوسی در کتاب *استبصار*^۵ و ابن ادریس حلی در کتاب *السرائر* و علامه حلی در کتاب *التحریر*^۶ و *التذکره* و شهید اول در کتاب *الدروس الشرعية*^۷ و محقق کرکی در *جامع المقاصد*^۸ و شهید ثانی در کتاب *مسالك الإیفهام*^۹ و *الروضة البهیة*^{۱۰} موافقت کرده است. [یعنی این بزرگان هم

۱. و چون احتکارکننده مجبور به فروش آنچه که احتکار کرده می‌شود او اگر احتکار حرام نباشد، احتکارکننده مجبور به فروش نمی‌شود و حال که فقها گفته‌اند احتکارکننده مجبور به فروش می‌شود، دانسته می‌شود که احتکار حرام است.]

۲. غایة المراد في شرح نکت الإرشاد ۴/۲ و ۵.

۳. نهاية الإحكام ۵۱۳/۲.

۴. نسبدهنده محدث بحرانی است در کتاب الحدائق ۵۸/۱۸ و ۵۹.

۵. الإستبصار ۱۱۴/۳.

۶. تحریر الأحكام الشرعية ۲۵۴/۲.

۷. الدروس الشرعية ۱۸۰/۳.

۸. جامع المقاصد ۴۱/۴.

۹. المسالك ۱۹۱/۳.

۱۰. الروضة البهیة ۲۹۸/۳.

قائل به حرمت هستند] و این قول به حرمت قول قوی‌ای است، همچنان که در کتاب *التنقیح الرائع*^۱ از فاضل مقداد و کتاب *المیسیه* از فاضل میسی نیز نسبت به احتکار قول به حرمت پذیرفته شده و این قول به حرمت احتکار از قاضی ابن براج و حلبی در یکی از دو قولی که در این مسئله دارد و از علامه حلی در کتاب *منتهی المطلب*^۲ نقل شده است... اما قول به کراهت احتکار قول شیخ مفید در کتاب *المُتَّعِنَة* و علامه حلی در کتاب *نهاية الإحكام*^۳ و شیخ طوسی در *المبسوط* و سالار در *المراسم*^۴ و محقق حلی در *الشرائع*^۵ و *المختصر النافع*^۶ و علامه حلی در کتاب *ارشاد الأذهان*^۷ و *مختلف الشیعة* و فاضل طیفی در کتاب *ایضاح النافع* است و قول به کراهت از تقی [ابوالصلاح حلبی] در قولی دیگر نقل شده است.^۸

و استاد سید عاملی یعنی شیخ جعفر کاشف الغطاء در شرحی که بر قواعد علامه حلی دارد می‌گوید: «احتکار به معنای اعم و معنای مجازی‌اش عبارت باشد از حبس هر آنچه که صاحبان نفوس محترمه به آن احتیاج دارند و ناچار به استفاده از آن هستند و از بهره‌مندی از آن‌ها گریزی ندارند از خوردنی گرفته یا نوشیدنی و پوشیدنی و غیر این‌ها حرام است و این حکم حرمت مقید به زمانی

۱. التنقیح الرائع ۴۲/۲.

۲. منتهی المطلب ۱۰۰۶/۲ چاپ سنگی.

۳. النهایة ۳۷۴.

۴. المراسم ۱۸۲.

۵. الشرائع ۱۵۲.

۶. المختصر النافع / ۱۲۰.

۷. إرشاد الأذهان ۳۵۶/۱.

۸. مفتاح الكرامة ۱۰۷/۴ کتاب المتاجر، چاپ اول. (۳۵۲/۱۲) چاپ جامعه

مدرسین حوزه علمیه قم.

خاص و به اعیان خاص و انتقال به سبب عقدی و محدود شدن به سبب حدّی نیست؛ چرا که ملاک صدق احتکار حاصل شدن اضطرار است» تا آنجا که کاشف الغطاء می‌گوید: «در مقابل این قول به حرمت، قول به کراهت است که از حیث قُوّت، این قول معادل قول به حرمت، بلکه از حیث دلیل و فتوایی قوی‌تر است. [یعنی فقها بیش‌تر مایل به کراهت هستند تا حرمت و کراهت ادله قوی‌تر نسبت به حرمت دارد] و از جمله ادله کراهت احتکار اصالة الاباحة [که اصل اولی در اشیاء می‌باشد] هست و نیز قاعدة مسلّط بودن مالک‌ها بر اموالشان که هر کاری خواستند با اموالشان انجام بدهند»^۱.

با دقت در بیانات فقها دو قول راجع به احتکار ظاهر می‌شود: حرمت و کراهت و مهم، ملاحظه ادله‌ای است که در باب احتکار وارد شده و عمدهٔ این ادله، روایات است.

۱. شرح القواعد ۱/ (۳۱۲-۳۱۰).

فصل سوم: روایاتی^۱ که در مورد احتکار وارد شده

روایات وارده در مورد احتکار چند گروه است:

گروه اول: روایاتی که به طور مطلق دلالت بر ممنوعیت احتکار دارد
از جمله این روایات: خبر ابن قداح از امام صادق علیه السلام قال: قال

رسول الله صلی الله علیه و آله: الجالب مرزوق والمحتكر ملعون.^۲

حضرت فرمودند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: فروشنده روزی
می خورد و احتکارکننده ملعون است.

و از جمله این روایات: مرسله صدوق است که می فرماید: نمی

امیر المؤمنین علیه السلام عن الحکرة في الأمصار.^۳

امیر مؤمنان علیه السلام از احتکار در مناطق و بلاد نهی کردند.

و از جمله این روایات: مرسله سید رضی است که در روایت

مرفوعه‌ای از امیر مؤمنان علیه السلام نقل می کند که در عهدنامه‌شان به

۱. راجع في هذا المجال بحار الانوار ۸۷/۱۰۰ (۶۰/۴۲) من طبع سنة ۱۴۲۱ و وسائل الشيعة ۴۲۳/۱۷ و ما بعدها، و مستدرک الوسائل ۲۷۳/۱۳ و ما بعدها، و جامع أحاديث الشيعة ۱۰۹/۲۳ و ما بعدها، و کتابنا موسوعة أحاديث أهل البيت علیهم السلام ۱/۱۱۵.

۲. وسائل الشيعة ۴۲۴/۱۷، ح ۳.

۳. وسائل الشيعة ۴۲۶/۱۷، ح ۹.

مالک اشتر نخعی نوشتند: فامنع من الإحتکار، فإن رسول الله ﷺ منع منه، وليكن بيعاً سمحاً بموازين عدل وأسعار لا يحيف بالفریقین من البائع والمبتاع، فمن قارف حُكرة بعد نهيك إياه فنكّل به وعاقبه في غير إسراف.^۱

از احتکار منع کن که رسول خدا ﷺ از آن منع کرد و باید فروش، آسان و عادلانه و با قیمت‌هایی صورت بگیرد که نه به فروشنده و نه به مشتری اجحاف نشود، پس هر کس بعد از نهي تو نسبت به احتکار، اقدام به احتکار کرد، بدون زیاده‌روی او را مجازات و عقوبت کن.

مؤلف گوید: نجاشی و شیخ طوسی سند معتبری نسبت به این عهدنامه شریف دارند؛ لذا روایت از لحاظ سند معتبر است.

و از جمله روایات: روایت ورام بن ابی فراس از پیامبر اکرم از جبرئیل است که گفت: اطلعت في النار فرأيت وادياً في جهنم يغلي، فقلت: يا مالك لمن هذا؟ فقال: لثلاثة المحتكرين والمدمنين للخمر والقوادين.^۲

به آتش نگاه کردم و در جهنم وادی‌ای را دیدم که می‌جوشد. گفتم ای مالک! اینجا جایگاه چه کسانی است؟ گفت: برای سه گروه: احتکارکنندگان و میگساران و کسانی که واسطه بین زن و مرد در زنا شوند.

و از جمله روایات: خبر حسن بن ابی الحسن بصری است که در حدیثی طولانی از امیر مؤمنان نقل می‌کند که: ثم مشى حتى دخل سوق البصرة، فنظر إلى الناس يبيعون ويشترون، فبكى بكاءً شديداً، ثم قال: يا عبيد الدنيا وعمال أهلها إذا كنتم بالنهار تحلفون وبالليل في فرشكم

۱. وسائل الشیعة ۴۲۷/۱۷، ح ۱۳.

۲. وسائل الشیعة ۴۲۶/۱۷، ح ۱۱.

تنامون وفي خلال ذلك عن الآخرة تغفلون فمتى تحرزون الزاد وتفكرون في المعاد؟

فقال له رجل: يا أمير المؤمنين إنّه لا بدّ لنا من المعاش، فكيف نصنع؟ فقال أمير المؤمنين عليه السلام: إنّ طلب المعاش من حلّه لا يُشغل عن عمل الآخرة. فإن قلت: لا بدّ لنا من الإحتكار لم نكن معذوراً، فوّى الرجل باكياً، فقال أمير المؤمنين عليه السلام: أقبل عليّ أزدك بياناً، فعاد الرجل إليه، فقال له: أعلم يا عبد الله أنّ كلّ عامل في الدنيا للآخرة لا بدّ أن يوقّ أجر عمله في الآخرة، وكلّ عامل ديناً للدنيا عمّالته في الآخرة نار جهنم. ثمّ تلا أمير المؤمنين عليه السلام قوله تعالى: ﴿فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ﴾^۱.

حضرت راه افتادند تا به بازار بصره رسیدند، پس به مردم نگاه کردند که می‌فروشدند و می‌خرند، پس به شدت گریستند. سپس فرمودند: ای بندگان دنیا! و کارگران اهل دنیا! روزها سوگند یاد می‌کنید و شبها در بستران می‌خوابید و در خلال شب و روز از آخرت غافل هستید. پس چه زمانی زاد و توشه فراهم می‌کنید و در امر معاد تفکر می‌کنید؟ پس مردی به حضرت عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! ما از تحصیل معاش چاره‌ای نداریم. پس چه کنیم؟ پس امیر مؤمنان فرمود: طلب معاش از راه حلالش انسان را از عمل آخرت منصرف نمی‌کند. پس اگر بگویی: ما ناچاریم احتکار کنیم، عذرت پذیرفته نیست. پس آن مرد در حالی که گریه می‌کرد برگشت. پس امیر مؤمنان فرمود: به من رو کن تا بیشتر برایت بیان کنم. پس آن مرد به نزد حضرت برگشت و حضرت به او فرمود: هر کس به امور دینی به جهت دستیابی به دنیا عمل کند اجر و پاداش

۱. سوره نازعات (۳۹-۳۷).

۲. أمالی المفید، مجلس چهاردهم، ح ۱۱۸/۳.

وی در آخرت، دوزخ خواهد بود، بنده خدا! بدان که هر کس که در دنیا برای آخرت کار می‌کند حتماً اجر کارش به تمام در آخرت داده می‌شود و هر کس در دنیا برای دنیا کار می‌کند مزد او در آخرت آتش جهنم می‌شود. پس حضرت این آیه را تلاوت فرمودند: ﴿هر کس طغیان کرد و زندگی دنیا را اختیار کرد آتش جهنم جایگاه اوست﴾.

می‌گوییم: اگر احتکارکننده عذری در احتکار نداشته باشد؛ یعنی زمانی که عذر محترک در احتکار پذیرفته نیست، او گنه‌کار و عصیانگر است. پس روایت دلالت بر حرمت مطلق احتکار دارد. و از جمله روایات: روایت مرسله‌ای است که در کتاب دعائم الاسلام از امیر مؤمنان علیه السلام نقل شده: **أَنَّ كَتَبَ إِلَى رِفَاعَةَ: أَنَّهُ عَنِ الْحُكْرَةِ، فَمَنْ رَكِبَ النَّهْيَ فَأَوْجَعَهُ، ثُمَّ عَاقَبَهُ بِإِظْهَارِ مَا أَحْتَكِرُ.**^۱

حضرت به رفاعه نوشتند که از احتکار نهی کن و هر کس از نهی تو سرپیچی کرد او را مجازات کن پس او را با آشکارکردن آنچه که احتکار کرده است، عقوبت کن.

و از جمله روایات: مرسله دیگری است از کتاب دعائم الاسلام از امیر مؤمنان علیه السلام که فرمودند: **الْمَحْتَكِرُ أَثْمٌ عَاصِيٌّ.**^۲ احتکارکننده گنه‌کار و عصیانگر است.

از جمله روایات: مرسله سومی از کتاب دعائم الاسلام از امیر مؤمنان علیه السلام است که فرمود: **كُلُّ حُكْرَةٍ تَضُرُّ بِالنَّاسِ وَتَغْلِي السَّعْرَ عَلَيْهِمْ فَلَا خَيْرَ فِيهَا.**^۳

۱. دعائم الإسلام ۳۶/۲، ح ۸۰.

۲. دعائم الإسلام ۳۵/۲، ح ۷۷.

۳. دعائم الإسلام ۳۶/۲، ح ۷۹.

هر احتکاری که به مردم ضرر بزند و قیمت را به زیان مردم بالا ببرد خیری در آن نیست.

ممکن است در دلالت این روایت بر حرمت اشکال کرد؛ چرا که ظهور جمله «خیری در احتکار نیست» در حرمت مشکل است. از جمله روایات: مرسله آمدی از امیر مؤمنان (علیه السلام) است که فرمودند: الإحتکار شیمة الفجّار.^۱

احتکار عادت گنهاران است.

و از جمله روایات: مرسله دیگری از آمدی از امیر مؤمنان (علیه السلام) است که فرمودند: کن مقتدرأ ولا تكن محتكراً.^۲ قوی باش اما احتکار کننده نباش.

این ده روایت از روایاتی که در نهی از مطلق احتکار [یعنی انواع و اقسام آن] وارد شده و از حیث سند آنچه که در ذیل عهدنامه حضرت به مالک اشتر نخعی وارد شده، معتبر است. اما غیر عهدنامه حضرت از سایر روایاتی که آوردیم اگرچه همگی از جهت سند ضعیف هستند؛ اما به دلیل تعددشان می‌توان اطمینان به صدور بعضی از این روایات از ائمه (علیهم السلام) حاصل کرد، ولو اطمینان اجمالی. پس ورود نهی از مطلق احتکار ثابت شد. همه این روایات از دسته اول روایات بودند. [که دلالت بر ممنوعیت احتکار به‌طور مطلق داشتند.]

گروه دوم: روایاتی که دلالت بر منع از احتکار فقط در خصوص مطلق طعام می‌کند

از جمله این روایات: خبر اسحاق بن عمار است که گفت: دخلت

۱. غرر الحکم، ج ۶، ۶۰.

۲. غرر الحکم، ج ۷، ۱۳۹.

علیٰ ابی عبد الله علیه السلام فخرته آنه ولد لی غلام، فقال : ألا سمیته محمدآ؟ قال: قلت: قد فعلت، قال: فلا تضرب محمدآ ولا تسبه، جعله الله قرّة عين لك في حياتك وخلف صدق من بعدك، فقلت: جعلت فداك في أيّ الأعمال أضعه؟ قال: إذا عدلته عن خمسة أشياء فضعه حيث شئت: لا تسلّمه صيرفياً فإنّ الصيرفي لا يسلم من الربا، ولا تسلّمه بیاع الأكفان فإن صاحب الأكفان يسره الوباء إذا كان، ولا تسلّمه بیاع الطعام فإنّه لا يسلم من الإحتکار، ولا تسلّمه جزّاراً فإنّ الجزّار تُسلب منه الرحمة، ولا تسلّمه نخاساً فإنّ رسول الله صلی الله علیه و آله قال: شرّ الناس من باع الناس.^۱

بر امام صادق علیه السلام داخل شدم و به ایشان خبر دادم که بچه‌ای برای من متولد شده. حضرت فرمود: نامش را محمد نگذاشته‌ای؟ عرض کردم نامش را محمد گذاشتم. حضرت فرمود: پس محمد را نزن و به او دشنام نده. خداوند او را نور چشمت در طول حیات قرار دهد و او را جانشین راستین بعد از تو قرار دهد. عرض کردم: قربانت شوم! او را به چه کاری مشغول کنم؟ فرمود: هرگاه او را از پنج کار باز داشتی و به هر کاری خواستی او را بگمار: او را نزد زرگر نگذار، چرا که زرگر از ربا در امان نیست. او را نزد کفن‌فروش نگذار، چرا که کفن‌فروش را بیماری وبا خشنود می‌کند. [که مردم وبا بگیرند و بمیرند.] او را نزد فروشندهٔ طعام نگذار، چرا که فروشندهٔ طعام از احتکار در امان نیست. او را نزد قصاب نگذار، چرا که مهربانی از قصاب گرفته می‌شود و او را نزد فروشندهٔ حیوانات و برده‌ها نگذار؛ چرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بدترین مردم کسی است که انسان‌ها را خرید و فروش کند.

۱. الکافی ۱۱۴/۵، ح ۴ و نقلت عنه فی موسوعة أحاديث أهل البيت علیهم السلام ۱۱۵/۱، ح ۱.

گویم: فروش طعام مکروه است؛ چرا که فروشنده طعام در معرض احتکاری است که حرام است.

و از جمله روایات: روایت معتبری است که سکونی از امام صادق علیه السلام از پدرش نقل کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: لا یحتکر الطعام إلا خاطيء^۱.

غذا را احتکار نمی‌کند، مگر خطاکار.

ظهور خطا در معصیت آشکار است.

و از جمله روایات: مرسله صدوق است که از رسول خدا نقل می‌کند که فرمود: لا یحتکر الطعام إلا خاطيء^۲.

جز گنهکار کسی غذا را احتکار نمی‌کند.

و از جمله روایات: خبر سکونی از امام صادق علیه السلام است که از پدرش و از پدران علیهم السلام نقل می‌کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: طرق طائفة من بني اسرائيل ليلاً عذاباً، فأصبحوا وقد فقدوا أربعة أصناف: الطبايين والمغنين والمحكرين للطعام والصيارفة آكلة الربا منهم^۳.

عذاب، شبانه بر گروهی از بنی اسرائیل نازل شد، پس صبح کردند در حالی که چهار گروه از ایشان از بین رفته بودند: طببل‌زن‌ها، آوازده‌خوان‌ها، احتکارکنندگان غذا، زرگران، رباخواران.

و از جمله روایات: معتبره بلکه صحیحه ابو حمزه ثمالی از امام صادق علیه السلام است که فرمود: إن الله ﷻ تطول على عباده بالحبّة فسلب عليها

۱. وسائل الشیعة ۴۲۶/۱۷، ج ۱۲.

۲. وسائل الشیعة ۴۲۶/۱۷، ج ۸.

۳. جامع الأحادیث ۹۶/۹۶. ونقل عنه في بحار الأنوار ۷۹/۱۰۰، ج ۱۱. ونقل عن البحار في مستدرک الوسائل ۲۷۳/۱۳، ج ۲.